خبر

اکران نوروزی ۱۴۰۴؛ بهبود نسبی اما ناکافی

با آغاز اکران نوروزی ۱۴۰۴ آمارها نشان می‌دهد اگرچه وضعیت سینما نسبت به سال‌های گذشته بهبود یافته، ولی فروش و تعداد مخاطب فیلم‌ها به حد نصاب مورد انتظار دست نیافته است.

هادی اسماعیلی، مدیرعامل موسسه فرهنگی بهمن سبز با بیان این که اکران نوروزی امسال یکی از بهترین اکران‌های سال‌های اخیر بوده است، دلیل افت نسبی مخاطب را همزمانی اکران با ماه رمضان و افزایش قیمت بلیت عنوان کرد. وی تأکید کرد که تنوع ژانر فیلم‌ها و برنامه‌های تبلیغاتی متنوع موجب جذب تماشاگران شده، اما خواستار توجه بیشتر نهادهای فرهنگی به توسعه سینما و بازگشت مخاطبان به سالن‌ها شد. اسماعیلی همچنین بر لزوم همکاری میان تولیدکنندگان و سالن‌داران برای بهره‌برداری از ظرفیت‌های فرهنگی و بهبود وضعیت سینما در سال‌های آینده تأکید کرد. در پایان، او خاطرنشان کرد که شنیده بودم نسخه سینمایی «پایتخت ۷» قرار بود ساخته و اکران شود اما کاش نسخه سینمایی پایتخت۷ به پرده سینماها می‌آمد چون در این صورت فکر می‌کنم می‌توانست یکی از نقاط عطف گیشه نوروزی ۱۴۰۴ باشد.



یادداشت

محمدرضا دلیر | منتقد

نقد و بررسی
فصل دوم سریال «جداسازی»

سرمایه‌داری و بیگانگی روان



در نقد فصل اول تأکید کردیم که مخاطب برای جلوگیری از گمراهی ذهن خود در این روایت و چنگ‌زدن به فرامتن‌ها بایستی چند پیش‌شرط ضروری را رعایت کند. ابتدا تعریف ازخودبیگانگی مد نظر مارکس که با نقل یک بند از کتاب «سی. رایت. میلز» به آن پرداختیم، دوم مطالعه کتاب «خروج ممنوع» سارتر و سوم تجربه زیسته خود آقای دان اریکسن که اولین محرک او برای چنین فضاسازی‌ای بوده است؛ دنیای خشک و انزواگونه محیط‌های اداری در سیستم بوروکراتیک.

در انتهای نقد فصل اول عنوان کردیم که همه چیز به فصل دوم بستگی دارد؛ این‌که آیا «استیلر» و «اریکسن» به تعلیق‌های بی‌پاسخ فصل اول پاسخ خواهند داد یا خیر و این‌که آیا آنها در دام یکپارچه‌سازی‌ای که کاراکتر «پیتر» را در فصل اول درگیر آن کردند، گیر می‌کنند و در نهایت روایت را روی هیجان ناشی از ضمحلال خود آگاه دوگانه کاراکترها در بیرون و درون شرکت پیش خواهند برد یا خیر. حال با تمام شدن فصل دوم شاهد هستیم که آنها نه‌تنها بر اساس همان پیش‌شرط‌های پنهان اما ضروری این روایت پیش رفته‌اند، بلکه طبق همان امیدی که در فصل اول ناامیدانه در ذهن داشتیم مخاطب را درگیر مرز بین خود آگاه بیرونی و درونی می‌کنند.

حال با همین پیشینه‌ها به فصل دوم ورود می‌کنیم. در این فصل گویی همه دغدغه‌های مد نظر مخاطب در فصل اول کاملا پاسخ داده می‌شوند و درعین حال کلیدواژه‌های جدیدی مقابل او قرار می‌گیرند تا این فصل را همچون پلی مستحکم میان فصل اول و دوم در نظر بگیریم. در همان قسمت ابتدایی شاهد هستیم که یک خلأ زمانی میان رخدادهای قسمت آخر فصل قبل و آن چیزی که در حال مشاهده‌اش هستیم شکل می‌گیرد. سازندگان کاراکتر «مارک» را درون راهروهای سفید بخش تحلیل داده‌ها رها می‌کنند و او نیز با فشاری که از آن ۳۹ دقیقه بیداری در دنیای بیرونی تجربه کرده با همکارانی جدید مواجه می‌شود. قسمت اول این فصل گویی آزمونی برای مخاطب و مارک است که بتواند در انتهای قسمت خود را با آنچه در پیش است وفق دهد. به‌نوعی همین اتفاق هم می‌افتد. این را هم فراموش نکنیم که تیتراژ ابتدایی این فصل گویی گذری جامع بر کل اتفاقاتی است که مارک و مخاطب قرار است آنها را تجربه کنند. این تیتراژ درگیری بی‌انتهای بین مارک بیرونی و درونی است و با تکرار آن پس از مقدمه هر قسمت، سازندگان سعی دارند مخاطب را در برابر درونمایه روایت خود قرار دهند.

اما روایت‌گویی در انتهای قسمت اول و صفحه نمایشی که عکس جما را در خود دارد، مخاطب را وارد کنه این فصل می‌کند؛ کلیدواژه «کولد هاربر» که گویی در حال تکمیل یک نوع شبیه‌سازی است. اما در طول قسمت‌های این فصل شاهد هستیم که از طریق همین کلیدواژه قرار است وارد تعریف قابل اعتنایی از تمام آن اعدادی شویم که مارک و دیگران در طول فصل اول آنها را به‌صورت یک مجموعه درون پوشه‌هایی قرار می‌دادند.

متن کامل

پرکار اما بی‌کیفیت

سال گذشته برای برخی از بازیگران سال تکرار و برای برخی سرشار از انتخاب‌های حساب‌شده بود؛ در این گزارش سعی کرده‌ایم نشان دهیم که پرکار بودن به‌معنای بهتر بودن و باکیفیت‌تر بودن نیست



امیرحسین حیدری
گروه فرهنگ و هنر

سال ۱۴۰۳ برای سینمای ایران سالی پر از حضور چهره‌های آشنا روی پرده نقره‌ای بود؛ بازیگرانی که گاه با انبوهی از نقش‌ها در ژانرهای مختلف، نام خود را در صدر فهرست پرکارترین‌ها قرار دادند، اما این تکثر، همیشه همسو با تحسین مخاطبان و منتقدان نبود. پژمان جمشیدی با بازی در چهار فیلم سینمایی و حضور روی بیلبوردهای شهری، عنوان پرکارترین بازیگر سال را به خود اختصاص داد، اما تکرار نقش‌های کمدی و فقدان نوآوری در اجرا، نقدهای جدی به کارنامه او وارد کرد. در مقابل، عباس جمشیدی‌فر با انتخاب‌های حساب‌شده در آثاری چون «قیف» و «شهسوار»، نشان داد که کیفیت ایفای نقش، حتی در فیلم‌های ضعیف می‌تواند بازیگر را در خاطره‌ها ماندگار کند.

پرکارترین بازیگر سال

احتمالا انتخاب پرکارترین بازیگر سال ۴۰۳ احتیاجی به یک کارشناسی دقیق ندارد و همه بدانند که او چه‌کسی است. فردی که نه فقط در سینما که در سطح شهر هم محال است سربچرخانید و چهره او را بر روی یک بیلبورد نبینید که لبخندی برلب دارد و شما را دعوت به خرید می‌کند. بله پژمان جمشیدی بازیگری است که در سالی که گذشت بدون در نظرگرفتن اکران نوروزی که دنباله‌اش به سال جدید رسیده در چهار فیلم «بی‌بدن»، «صبحانه با زرافه‌ها»، «تگزاس ۳»، و «یادگار جنوب» حضور مستمر داشته و در فیلمی مانند تمساح خونی هم به‌عنوان بازیگر مهمان حضور پیدا کرد. البته که جمشیدی هم در اکران نوروزی در دو فیلم حضور داشت و هم در فیلم آنتیک که در جشنواره فجر اکران شد. این تعدد حضور به‌خصوص در ژانر کمدی باعث شده تا جمشیدی در دام تکرار بیافتد و عملا همان بازی ثابت خود را با اسامی مختلف به نمایش بگذارد. البته پژمان جمشیدی در سال گذشته در دو فیلم غیرکمدی «بی‌بدن» و «یادگار جنوب» به ایفای نقش پرداخته بود که نقش او در فیلم «بی‌بدن» نشان داد جمشیدی صرفا به خاطر چند تیپ وارد سینما نشده است اما ظاهرا اغلب نقش‌هایی که به او پیشنهاد می‌شود و او می‌پذیرد، محدود به نقش‌های تکراری کمدی می‌شود.

انتخاب‌های حساب‌شده

دیگر بازیگر پرکار سال ۴۰۳ را می‌توان سلطان نقش‌های مکمل دانست؛ نقش‌های مکملی که هر کدام آن‌چنان از کیفیت بالایی برخوردار بودند که توانستند در ذهن مخاطب حک شوند حتی اگر خود فیلم اثر ضعیفی تلقی شود. عباس جمشیدی‌فر یکی از کمدین‌های خوب کشور است که در هر مدیومی از هنرهای نمایشی ورود کرده، بازی خوبی ارائه کرده است. جمشیدی‌فر با بازی در فیلمی مانند «قیف» که بازیگران بزرگ کم نداشت، نشان داد که کیفیت بازی یک هنرمند چیزی فراتر از کیفیت خود اثر است. نمونه‌اش هم کمدی قیف؛ با این‌که این فیلم به‌عنوان یک زی‌مووی ارزش چندانی ندارد اما عباس جمشیدی‌فر در چنین فیلمی بازی قابل قبولی از خود ارائه داده است.

جمشیدی‌فر در سال ۴۰۳ علاوه بر فیلم‌های کمدی در سینما و نمایش خانگی، نقش‌های جدی‌ای را بازی کرد، مخصوصا در نمایش خانگی. در نگاه اول تصور می‌شد چنین نقش‌هایی از این بازیگر فاصله زیادی دارد اما او توانست حتی موفق‌تر از نقش‌های کمدی ظاهر شود. عباس جمشیدی‌فر در سال ۴۰۳ با بازی در فیلم‌هایی مانند «قیف»، «کت چرمی»، «تمساح خونی»، «شه‌سوار» و «باغ کیانوش» نشان داده که در عالم بازیگری انتخاب‌های حساب شده تاثیر بسزایی در رشد یک بازیگر می‌تواند داشته باشد.

حضور پررنگ اما محو

امیر آقایی از آن دست بازیگرانی است که سعی می‌کند گزیده کار کند و هر نقشی را نپذیرد اما بنا به دلایل مختلفی همچون توقیف بودن فیلم‌ها و صدور با تاخیر پروانه نمایش برای آنها در سال گذشته باعث شد چهار فیلم «شبگرد»، «کارزار»، «نبودنت»، و «خائن‌کشی» از این بازیگر اکران شود، آثاری که نقطه مشترکشان موفق نبودن در گیشه در میان فیلم‌های درام سال ۴۰۳ بود. هرچند اگر به کارگردان‌های این آثار نگاهی بیاندازیم به نام‌های بزرگ و تاثیرگذاری همچون مسعود کیمیایی و فرزاد موتمن برمی‌خوریم که اولا نشان از انتخاب این بازیگر دارد و ثانیا این عدم موفقیت خود می‌تواند پیام‌های مختلفی برای اهالی سینما و مدیران فرهنگی داشته باشد.

بررسی پرکارترین بازیگران سینمای ایران در سال ۱۴۰۳ نشان می‌دهد که صرف حضور در آثار متعدد نمی‌تواند تضمین‌کننده موفقیت یک بازیگر باشد

پرکار و کاربلد

در میان بازیگران زن سینمای ایران نام دوبازیگر به‌عنوان پرکارترین بازیگران سال ۴۰۳ به چشم می‌خورد: سحر دولتشاهی و گلاره عباسی. دو بازیگری که نشان داده‌اند از توانایی بالایی در ایفای نقش‌های مختلف برخوردار هستند و سال گذشته نیز، هم فیلم درام روی پرده نقره‌ای داشتند و هم فیلم کمدی. سحر دولتشاهی سال گذشته در فیلم‌های «مفت‌بر»، «یادگار جنوب» و «نبودنت» حضور داشت. سه نقش متفاوت که هرکدام رنگ‌وبوی مخصوص به خود را داشت، از زنی جنوبی که رییس یکی از باندهای بزرگ قاچاق در جنوب کشور است تا رییس یک شرکت و زنی جسور در فیلم مفت‌بر و همچنین در فیلم نبودنت که ایفاگر نقش زنی بود که با بحرانی عظیم در زندگی دسته و پنجه نرم می‌کند و این نقش‌ها خود حاکی از توانایی سحر دولتشاهی در بازیگری است.

گلاره عباسی دیگر زن بازیگری است که با بازی در «زودپز»، «بی‌بدن» و «آغوش باز» در کنار سحر دولتشاهی جزو پرکارترین بازیگران زن ۴۰۳ قرار می‌گیرد. عباسی نیز در این سه اثر بازی‌های متفاوتی از خود ارائه کرده است، بازی‌هایی که هیچ تکراری در آن به چشم نمی‌خورد. از مادری که تنها فرزندش در یک‌قدمی چوبه دار قرار دارد تا انسانی که هرچیزی را با پول می‌سنجد حتی عشق.

بزرگ اما شکست‌خورده

مهران مدیری را احتمالا بتوان بزرگترین بازنده اکران در سال ۴۰۳ نامید. مهران مدیری کارگردان و بازیگری است که هر وقت نامش را می‌شنویم ناخودآگاه یاد سریال‌های نودشبی او از تلویزیون می‌افتیم اما در سینما و حتی سریال‌های نمایش خانگی، عملکرد قابل قبولی در ژانرهای مختلف نداشته. مدیری در سال گذشته با دو فیلم «ساعت ۶ صبح» و «خائن‌کشی» روی پرده سینما ظاهر شد که تنها برتری فیلم خائن‌کشی نسبت به فیلم دیگر او این است که کارگردانی آن بر عهده‌فرد دیگری است! وگرنه از مهران مدیری در این دو فیلم چیزی به‌عنوان بازیگری یافت نمی‌شود.

دوتایی‌ها!

البته در سال ۴۰۳ بازیگرانی که دو فیلم روی پرده داشتند نیز کم نبودند که از میان آنها می‌توان به هوتن شکیبا با دو فیلم «صبحانه با زرافه‌ها» و «۷۰ سی»، بهرام افشاری با فیلم‌های «سال گربه» و «۷۰ سی»، الناز حبیبی با فیلم‌های «تمساح خونی» و «شه‌سوار» و محسن تنابنده با ایفای نقش در «زودپز» و «روزی روزگاری آبادان» اشاره کرد.



برش

کار نیکو کردن از پر نکردن است!

بررسی عملکرد پرکارترین بازیگران سینمای ایران در سال ۱۴۰۳ نشان می‌دهد که صرف حضور در آثار متعدد نمی‌تواند تضمین‌کننده موفقیت یک بازیگر باشد. آنچه بیش از کمیت حضور اهمیت دارد، کیفیت بازی و تنوع نقش‌هاست. بازیگرانی چون عباس جمشیدی‌فر، سحر دولتشاهی و گلاره عباسی با ارائه بازی‌های متفاوت در آثار متنوع توانستند علاوه بر پرکار بودن، کیفیت قابل قبولی نیز ارائه دهند. در مقابل، بازیگرانی مانند پژمان جمشیدی و مهران مدیری علی‌رغم حضور پررنگ در سینما، به دلیل تکراری بودن نقش‌هایشان، با انتقاداتی مواجه شده‌اند. این مسأله نشان می‌دهد که مخاطب سینمای ایران به‌دنبال نوآوری و خلاقیت است و صرف حضور چهره‌های آشنا نمی‌تواند رضایت او را جلب کند. در نهایت، می‌توان گفت سال ۱۴۰۳ برای سینمای ایران سالی پرفراز و نشیب بود که در آن بازیگران متعددی فرصت ارائه توانایی‌های خود را پیدا کردند، اما تنها آنهایی موفق بودند که علاوه بر حضور پررنگ، کیفیت و تنوع را نیز چاشنی کار خود کردند.

قاب

«پورزال» به کانادا رسید

مستند کوتاه «پورزال» ساخته ماریا ماوتی و احسان فرخی‌فرد، محصول مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی، به بخش رسمی سی و دومین جشنواره هات داکس کانادا راه یافت. این جشنواره از ۴ تا ۱۴ اردیبهشت برگزار می‌شود و ۱۱۳ مستند از ۴۷ کشور در آن به نمایش در می‌آیند. «پورزال» پیش از این در جشنواره «سینماحقیقت» جوایزی را کسب کرده و داستان زندگی یک پیرزن تنها در روستایی متروک را به تصویر می‌کشد.



جشنواره

حضور دو فیلم ایرانی در جشنواره فیلم مسکو



چهل و هفتمین جشنواره فیلم مسکو به زودی با نمایش یک فیلم مستند و یک فیلم کوتاه از سینماگران ایرانی آغاز خواهد شد. به گزارش ایسنا، فیلم مستند «شگرد» به کارگردانی جعفر صادقی در بخش مسابقه فیلم‌های مستند جشنواره حضور دارد. این مستند که به زندگی یک مربی کشتی در محله سیدآباد شهر گنبدکاووس می‌پردازد، پیش از این موفق به کسب سیمرغ بلورین بهترین مستند در چهل و سومین دوره جشنواره فجر شده است. همچنین، فیلم کوتاه «پس از پدر» به نویسندگی و کارگردانی نوشین معراجی و تهیه‌کنندگی علی کشاورز، محصول انجمن سینمای جوانان ایران در بخش ویژه فیلم‌های کوتاه این جشنواره به نمایش درمی‌آید. در خلاصه داستان این فیلم آمده است: «آیدا نمی‌تواند با مرگ ناگهانی پدرش کنار بیاید.» چهل و هفتمین جشنواره فیلم مسکو از ۱۷ تا ۲۴ آوریل (۲۸ فروردین تا ۴ اردیبهشت) در روسیه برگزار خواهد شد و فهرست فیلم‌های بخش‌های جنبی آن نیز به زودی اعلام می‌شود.

رویداد

واکنش به انتشار اشتباهی یک فیلم



علیرضا صمدی، کارگردان فیلم «روایت ناتمام سیما»، در گفت‌وگو با مهر از انتشار غیرقانونی این فیلم در فضای مجازی ابراز نارضایتی کرد. وی گفت: «من از طریق یکی از دوستانم متوجه شدم که فیلم به صورت غیرمجاز منتشر شده است. پس از تماس با دفتر پخش، متوجه شدم که فیلم به‌طور اشتباهی از طریق بنیاد سینمایی فارابی به یک کانال یوتیوبی داده شده است.» صمدی همچنین به مالکیت بنیاد سینمایی فارابی در این فیلم اشاره کرد و گفت: «بنیاد مالک ۵۵ درصد از فیلم است که ما ۴۵ درصد باقیمانده را به سختی تهیه کردیم. با این اتفاق، شانس فروش آنلاین فیلم نیز آسیب دید. دو تا سه روز اول اکران آنلاین حیاتی است که با پخش غیرمجاز فرصت آن از دست رفت.» او در انتقاد از عدم پاسخگویی سازمان‌ها خاطرنشان کرد که مسئولان سینمایی باید به تعامل بهتری با سازندگان خصوصی بپردازند. فیلم «روایت ناتمام سیما» داستان روانشناسی را روایت می‌کند که پس از افشای یک خبر در زندگی‌اش دچار تغییرات عمده‌ای می‌شود.